



# حافظیہ و شعر گُدار

تفسیر و تاویل معماری آرامگاہ حافظ

گلنار تاجدار

ویکتور دانیل

حافظیہ و شعرگذار  
ویکتور دانیل و گلنار تاجدار

# حافظیه و شعر گدار

مؤلفان	ویکتور دانیل، گلنار تاجدار
ویراستار	علی رضا سیداحمدیان
صفحه‌آرایی و ویرایش تصاویر	محمدنژاد بریانی
لیتوگرافی	فرآیند گویا
مدیر تولید	محسن حقیقی
شمارگان	۱۰۰۰ نسخه
چاپ	ایبانه
صحافی	صحافی علی

© همه حقوق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.  
هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر این کتاب صرفاً از طریق مجوز کتبی مؤلفان مجاز است.  
این اثر تحت حمایت "قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران" قرار دارد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

دانیل، ویکتور

Daniel, Victor

عنوان و نام پدیدآور  
حافظیه و شعر گدار / ویکتور دانیل، گلنار تاجدار؛ ویراستار

علی رضا سید احمدیان

تهران: ویکتور دانیل، ۱۳۹۵.

۱۳۴ ص: مصور

۷-۵۶۱۷-۵۶۱۷-۶۰۰-۹۷۸

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

حافظیه -- طرح و ساختمان

گدار، آندر، ۱۸۸۱ - ۱۹۶۵ م.

Godard, Andre

Tomb of Hafiz ( Shiraz, Iran) -- Design and construction

تاجدار، گلنار، ۱۳۶۰ -

سید احمدیان، علی رضا، ۱۳۴۸ - ویراستار

۱۳۹۵ / ۷۴۵۲ / ۲۰۹۷ DSR

۹۵۵/۶۳۲

۴۳۲۸۶۱۴

## فهرست

- ۶ ● پیشگفتار
- ۸ ● حافظیه و شعرگُدار
- ۴۰ یادداشت‌ها
- ۶۲ مراجع
- ۶۴ ● پیشینه آرامگاه حافظ
- ۱۱۸ یادداشت‌ها
- ۱۲۷ مراجع
- ۱۳۱ ● نمایه‌ها

## پیشگفتار

چندین سال پیش از این، از آندره گدار به عنوان طراح آرامگاه حافظ به ندرت یاد می‌شد. معمار این سمفونی امضاء نشده را افراد انگشت‌شماری می‌شناختند. بنای آرامگاه حافظ چنان متواضع و آرام در شمال غربی شیراز جا خوش کرده است که کمتر کسی می‌پرسد: طراح این بنا کیست؟ چرا که این طرح در پی ایجاد اثری بدیع به نام و مُهر طراح نیست، بلکه در پی خلق مقبره‌ای ماندگار برای شاعر و معبدی برای تکریم عاشقانه اشعار اوست. گدار در طرح آرامگاه، اسطوره‌ای از معماری خود نمی‌سازد، بلکه شخصیت‌ها و اسطوره‌های شعر حافظ را منزل می‌دهد. معمار و معماری به نفع حافظ و حافظیه از خودنمایی پرهیز می‌کنند و آندره گدار نصیحت حافظ را بر "تقدّم معنی بر لفظ" به گوش جان می‌خرد. نوشته حاضر تفسیر و تأویل معماری شعرگونه آرامگاه حافظ است و سعی دارد که ارتباط درونی و هنری معماری بنا را با شعر حافظ بازگو نماید. در طرح آرامگاه مرزهای زمان و مکان محو شده‌اند. همچنین مرز مکانی آسمانی با مرز مکانی زمینی قابل تشخیص نیست. معماری حافظیه معماری حس و معنی است و در چارچوب‌های متعارف تحلیل‌های سبکی نمی‌گنجد. همچنین معرف اندیشه و روش خاصی در طراحی معماری و فضا است. ما آرزو کردیم که این اندیشه و روش اشاعه یابد. کتاب شامل دو قسمت است. "حافظیه و شعرگدار" و "پیشینه آرامگاه حافظ". "حافظیه و شعرگدار" در مقایسه با "پیشینه آرامگاه حافظ" با وجود تعداد صفحات کمتر، قسمت و مقصود اصلی کتاب است که با نگاهی تحلیلی به معماری آرامگاه می‌پردازد و روابط آشکار و نهان آن را با شعر حافظ جست‌وجوی کند. "پیشینه آرامگاه حافظ" تاریخچه بنای حافظیه را از ابتدا تا ساخت آن با طرح آندره گدار بازگو می‌کند. تا بتواند مکمل "حافظیه و شعرگدار" شود و به سؤالات

احتمالی خواننده پاسخگو باشد. انتهای هر قسمت به یادداشت‌ها ختم می‌شود. یادداشت‌ها اطلاعات بیشتری را درباره مطالب کتاب در اختیار مخاطب قرار می‌دهند و همچنین برای ارتباط عمیق‌تر با خواننده به توضیح مفاهیم و لغات خاص متن در حوزه ادبیات و نمادشناسی و معماری می‌پردازند. در اینجا لازم است از آقای آرش فضلی شمس‌آبادی به خاطر انتخاب و پیشنهاد اشعار مورد استفاده در یادداشت‌های کتاب و مشورت‌های ادبی مفیدشان و همچنین بازخوانی کتاب، صمیمانه قدردانی شود. تکمیل و اصلاح بخش‌های مختلف کتاب مدیون بازخوانی و اظهار نظر ایشان و خانم ناهید بریانی، و آقایان: بیژن شافعی، خسرو شافعی، دانیال دانیل و اقبال معتضدی است. به این وسیله از مساعدت آن‌ها سپاسگزاری می‌شود.

کار تحقیق و جمع‌آوری و تنظیم اطلاعات با تکیه بر آرشیو مؤسسه معماری دوران تحوّل و با همکاری و کوشش خانم خورشید صابر، پرنیان رحیمی، بهناز زنیان و الناز بگ محمدی انجام گرفته است. از شیراز، شهر حافظ، محقق ارجمند آقای جمشید خجندی در جمع‌آوری اطلاعات و اسناد تصویری نقش مؤثر ایفا کرد. از زحمات و فعالیت دلسوزانه ایشان کمال تشکر را دارد. از همکاری و توجه آقای علی (داریوش) نویدگویی و خانم طاهره (سها) نصر، و آقایان: حسین مشکین فام، محمدکریم خرمایی به خاطر در اختیار گذاشتن اسناد و اسناد تصویری ممنونیم. بی‌یاری آن‌ها کمبودهای کتاب بر طرف نمی‌شد.

کار ویراستاری متن را آقای علیرضا سیداحمدیان تقبّل کرد. ارتقاء کیفیت نوشتار مدیون دقت و زحمات ایشان است. گرافیک کتاب با علاقه و پشتکار محمدنژاد بریانی به سرانجام رسید. در پایان لازم است از جناب آقای هوشنگ اردلان و خانم زهرا اهری، معماران و استادان ارجمند، به خاطر لطف و راهنمایی‌های بی‌دریغشان تشکر شود.

حافظیہ و شعر گُدار

پس از نخستین بُقعه‌ای که ۶۳ سال پس از وفات خواجه شمس‌الدین محمد حافظ، در سال ۸۵۶ هـ.ق به فرمان سلطان ابوالقاسم بابر، پادشاه سلسلهٔ گورکانی، بر مقبرهٔ او بنا شد، طی قرون متمادی بنای آرامگاه لسان‌الغیب به تناوب یا مورد توجه بوده و مرمت و بازسازی شده، یا طرف بی‌مهری و کم‌توجهی، و به صورت مخروبه در آمده است.

متون تاریخی، نخست، از توجه سلاطین صفوی و پس از ایشان نادرشاه افشار به آرامگاه و مرمت حافظیه گواهی می‌دهند. اما توجه کریمخان زند به حافظیه در مقایسه با اسلافش بسیار کریمانه بوده است: نصب سنگ قبری از مرمر و ایجاد باغ و بنای ایوانی دور در زمان حکمرانی وکیل‌الرعایا صورت گرفته است. در دورهٔ قاجار نیز آرامگاه حافظ مورد التفات واقع گردید. در این دوره تلاش نافرجام مُلّاشاهجان زرتشتی برای ساخت بُقعه‌ای برای آرامگاه و تعبیهٔ ضریحی بر مقبره با طراحی علی‌اکبرخان مزین‌الدوله، ملقب به نقاشباشی، از وقایع مهم به شمار می‌آید. در اوایل دورهٔ پهلوی، حافظیه به دلیل رخنهٔ رطوبت و آسیب پی‌ایوان در وضعیت اسفناکی قرار داشت که دل دوستداران حافظ و حافظیه را به درد می‌آورد.

در سال ۱۳۱۳، مقارن با برگزاری کنگرهٔ هزارهٔ فردوسی، تلاشی همزمان در انجمن آثار ملی و وزارت معارف و اوقاف و صنایع مُستظرفه جهت احیای نام بزرگان ادب و ساخت مراکز فرهنگی و یادمانی به جریان افتاد. از اهداف این تلاش، احیای هویت ملی با اتکاء بر میراث باستانی و اسلامی ایران بود و شخصیت‌هایی چون محمدعلی فروغی دُکاء‌المُلک، رئیس‌الوزراء، و علی‌اصغر حکمت شیرازی،<sup>(۱)</sup> وزیر معارف، در این زمینه نقشی مؤثر ایفاء نمودند. در زمانی که مقدمات برگزاری کنگرهٔ هزارهٔ فردوسی فراهم می‌شد، آرامگاه حافظ به حال خراب خود رها شده بود. شاید مقایسهٔ وضعیت بنای نوینِ آرامگاه



فردوسی با بنای تخریب شده آرامگاه حافظ، زمینه ساز تلاش پیگیرانه علی اصغر حکمت در تجدید بنای حافظیه شد.

علی اصغر حکمت در جلسه‌ای به همین منظور که با برخی از مسئولین دولتی تشکیل شده بود، به نتیجه مطلوبی دست نیافت. او پس از این جلسه طولانی و ملال‌آور و، به قول خودش، "بی نتیجه" مایوس و ناامید به خانه بازمی‌گشت. شاید در مسیر بازگشت، حکمت ساختمان جدید بانک ملی ایران واقع در خیابان فردوسی، یا بنای در دست احداث موزه ایران باستان را می‌دید. شاید از مقابل اپرای بلدیه در خیابان فردوسی یا از کنار محله قدیمی سنگلج عبور می‌کرد که قرار بود کاملاً تخریب و به جای آن ساختمان بورس تهران ساخته شود. چهره شهر تهران با تک‌بناهای معظم آن در حال تغییر بود. علی اصغر حکمت شخصاً از بنیان‌تغییرات قابل توجه در ساختمان‌های نو بنیاد وزارت معارف بود. از کارهای دوران وزارت او احداث موزه ایران باستان، ورزشگاه امجدیه، دانشگاه تهران و مجموعه بناهای آن بود که همگی در حدود همان سال‌های دهه ۱۳۱۰ ساخته می‌شدند. اما نگرانی اصلی حکمت مربوط به آرامگاه رو به ویرانی نهاده شاعری بود که هم‌چون هر ایرانی قلب او را مسخر خویش ساخته بود، شاعری که در مواقع تشویش و نگرانی تفرالی به دیوانش می‌زد و از روح پرفتوحش استمداد می‌کرد؛ اما در آن شب ملال‌آور تفرال حکمت با تفرال‌های پیشین او تفاوت داشت؛ بهانه این تفرال نه شخص علی اصغر حکمت دیوانسالار که حافظ صاحب‌دیوان بود. بنای تخریب و رها شده حافظیه و نیافتن راهی برای بهبود اوضاع آن فضای مایوس‌کننده‌ای ایجاد کرده بود که کار جناب وزیر معارف را در آن شب نومیدی به تفرال از دیوان حافظ کشاند. این بار در دل نیت کرد که آیا می‌توان قبه‌ای، بارگاهی مجلل، آرامگاهی باشکوه به یادگار بر سر مزار او برپا کند، که جواب تفرال مثبت بود. پس از چندی در سال ۱۳۱۴ که به قول حافظ "می‌فروش حاجت

رندان روا کرد" و مبلغی برای شروع کار تأمین شد، دست روزگار سه شخصیت را برای انجام این مهم کنار یکدیگر قرار داد: آندره گُدار،<sup>(۲)</sup> معمار، باستان‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی؛ علی اصغر حکمت شیرازی، سیاستمدار و شاعر، زمینه‌ساز و احتمالاً نظریه‌پرداز طرح آرامگاه؛ و سرانجام علی سامی،<sup>(۳)</sup> شخصیت مؤثر و فعال محلی. این سه نفر با همکاری هنرمندان منطقه و جدیت ریاست معارف استان فارس، سرلشگر علیخان ریاضی،<sup>(۴)</sup> بنائی را پدید آوردند که از همان ابتدا رابطه‌ای صمیمی، بی‌آلایش و درعین حال فاخر و آسمانی با همگان داشته است. رمزگشایی از معماری آرامگاه حافظ، که حاصل همکاری معنوی این سه تن بود، مشابه رمزگشایی از اشعار لسان‌الغیب، و به همان اندازه جذاب و آموزنده است.

پس از ساخت آرامگاه، با طرح آندره گُدار، مجموعه حافظیه کماکان مورد توجه دوستداران هنر و بلکه عموم مردم باقی ماند و تعداد زائران و گردشگران آن فزونی گرفت. باغ-آرامگاه حافظیه درعین حال که برای بازدیدکنندگان گلگشتی مفرح است، مقام و مرتبه زیارتگاهی نیز دارد. محیط روحبخش آن به مدد تأکید بر طراحی فضا، برخورداری از برخی مفاهیم معنوی، استفاده از مضامین و معانی و اُسطوره‌های شعر حافظ، و هم‌چنین قرابت به شعر و ادبیات در کاربرد صنایع ادبی و ترجمه آن‌ها به زبان معماری تأثیری فراتر از باغ-آرامگاه‌های مشابه دارد، و از نمونه‌های نادری است که ارتباطی نغز و عمیق میان معماری و شعر پدید آورده، به نحوی که می‌توان گفت معمار و معماری آرامگاه، هماهنگ با شعر حافظ، شعری برای شاعر سروده‌اند.

از ویژگی‌های شعرگونه طرح حافظیه "ایجاز"<sup>(۵)</sup> است. گُدار با کاربرد

◀ دید هوایی از باغ-آرامگاه حافظیه؛ محور اصلی باغ بر محور میدان جنوبی و ورودی ورزشگاه حافظیه - که در جنوب آرامگاه واقع شده - منطبق است. باغ بالادست و باغ پایین دست به وسیله ایوانی سراسری با بیست ستون مجزا شده‌اند. آرامگاه حافظ در مرکز باغ بالادست با گنبدی شبه کلاه درویشان دیده می‌شود. (عکس از: محمد سجادی آرشبو منصور صانع)







ایوان آرامگاه حافظ، گنبد و مقبره در پسزمینه ایوان دیده می‌شوند. (عکس از: آرشیو خانوادگی آقای حبیب سامی) ▲

عناصر محدود، کلام مختصر، اما بیان رسا، خیال‌انگیز و شاعرانه در معماری این بنا معانی گسترده‌ای را بیان کرده است. همه معماری آرامگاه در ۲۸ ستون، یک گنبد و ایوان مسقف آن خلاصه شده است.<sup>۱</sup> همین ویژگی است که طرح فضای خالی را مقدم بر طرح جسم و فضای پرمی‌کند. هنگامی که آندره گدار، علاوه بر ستون‌های باقیمانده از دوره زندیه، دستور تهیه ستون‌های جدید را می‌دهد، عملاً بیش از نیمی از کار اجرایی را در زمینی وسیع انجام داده است. این ستون‌ها به نحوی در فضای حافظیه کنار هم قرار گرفته‌اند که، از یک طرف، ایوانی را در توسعه و تداوم مفهوم "باغ ایرانی" به وجود (۱) در مجموع، ۲۸ ستون در طرح آرامگاه به کار برده شده‌اند، بیست ستون در ایوان و هشت ستون در گنبد. عدد ۲۸ برابر تعداد هجاهای بحر زمل است که وزن سوگلی اشعار حافظ شمرده می‌شود. بهاء‌الدین خرمشاهی در نوشته‌ای با عنوان "حافظ و موسیقی" در تعریف یکی از وجوه عظمت شاعر می‌نویسد: «او از خوش‌ترین و مطبوع‌ترین زحافات عروضی استفاده کرده و وزن سوگلی شاعر او یکی از زحاف‌های دلنشین بحر زمل است بروزن» در ازل پرتو خست ز تجلی دم زد» که در دیوانش ۱۳۵ غزل از میان ۴۹۵ غزل بر این وزن وجود دارد» (خرمشاهی، ۱۳۸۴: ۶۶).

می‌آورند، و از طرف دیگر پایهٔ سقف و گنبدی می‌شوند که خود مشحون از شیوه‌های شاعرانه و صُورِ خیال<sup>(۶)</sup> است.

اوج گرایش‌های معمار در استفاده از صُورِ خیال اعم از تشبیه، استعاره، کنایه و به‌خصوص ایهام، چه در باطن و چه در ظاهر، مقبره و ایوان است. گذار سقف گنبد<sup>(۷)</sup> آرامگاه را شبیه کلاه درویشان اما هشت‌تَرک می‌سازد. مسئولین در دورهٔ ساخت حافظیه هم به این تشبیه اشاره کرده‌اند: «مهر و ارادتِ حافظ به درویشانِ راستین در غزلی با مطلع "روضهٔ خُلدِ بَرین خلوتِ درویشان است"<sup>(۸)</sup> عیان می‌شود. گنبد آرامگاه حافظ. (عکس از آرشو خانوادگی آقای حبیب سامی) ▼



۱) از جمله علی سامی، متصدی وقت ساخت آرامگاه، در کتاب شیراز شهر سعدی و حافظ در این رابطه می‌نویسد: «... سقف مقبره که درون آن با کاشی‌های رنگی و معزق کاشیکاری شده، بر روی هشت ستون سنگی قرار گرفته است، نمای خارجی آن ترک‌ترکی چون کلاه قلندران و درویشان است. پوشش مسی از آن جهت...» (سامی، ۱۳۳۷: ۶۰).

در این شعر، درویش برابر پادشاهان و بلکه برتر از ایشان نشسته است؛ دولتش پایدار و آینه طلعتش مقصود شاهان است؛ رحمت درویش کلید گنج عزلت است و در خاکِ درِ خلوت او می‌توان آب حیات را جست‌وجو کرد. وقتی آزادی از "زنگ تعلق"<sup>(۹)</sup> در اشعار حافظ تمجید می‌شود، گذار برای پوشش گنبد فلز مس<sup>(۱۰)</sup> را به جای فلزات قیمتی زینده می‌یابد تا با گذشت زمان زنگاری بگیرد و علاوه بر کلاه نشانی باشد از ویژگی درویشان و قلندران در دل برگرفتن از دنیا.<sup>(۱۱)</sup> گنبد "تشبیه"<sup>(۱۲)</sup> و "استعاره"<sup>(۱۳)</sup> ای<sup>(۱۴)</sup> است از کلاه درویشان و کلاه درویشی خود "کنایه‌ای"<sup>(۱۵)</sup> است از شخصیت "درویش" در شعر حافظ. گذار ویژگی "درویش" حافظ را به زیبایی و "اغراق"<sup>(۱۶)</sup> در کلاه او مجسم کرده است. گنبد مقبره در حاشیه، تزئینات تکرارشونده‌ای دارد. این بار با تمرکز بر این تزئینات در ترکیب با حجم کلاه، شاید تصویری از تاج<sup>(۱۷)</sup> پادشاهی ایجاد شود که به برابری با کلاه درویشی نشسته است. کنار هم قرار دادن دو مفهوم درویشی و پادشاهی<sup>(۱۸)</sup> که در شعر حافظ هم دیده می‌شود، به قوت موسیقی معنوی اثر کمک می‌کند. در این "ایهام"<sup>(۱۹)</sup> شاعرانه، با وجود دو تصور متضاد، اسباب خیال‌انگیزی فراهم می‌شود و عواطف بیننده را برمی‌انگیزد و آنچه را که در بیان نهفته مانده در معنی آشکار می‌کند. ایهام و دوپهلویی معماری حافظیه، راه به "تأویل‌پذیری"<sup>(۲۰)</sup> آن می‌گشاید. از یک دیدگاه، "تأویل‌پذیری" یکی از وجوه ده‌گانه امتیاز و عظمت شعر حافظ است (خزمشاهی، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۹).<sup>(۲۱)</sup> از سوی دیگر، "ایهام" به‌کاررفته در طرح گنبد تصویری از عمارت پابیون (کلاه‌فرنگی) را تداعی می‌کند. شاید از آن‌جا که پابیون‌ها در معماری غربی محلّ اجرای موسیقی هستند، این انتخاب با ذائقه بیننده ایرانی هم مانوس می‌شود. به نحوی که ترکیب مفاهیم به‌کاررفته ایرانی و فرنگی را قابل قبول می‌نماید. این ویژگی می‌تواند مکان حافظیه را برای اجرای برنامه‌های موسیقی و شعر